



ایران / محمدحیرم شیر  
رقص مادیان‌ها



Iran  
Mohammad Charmshir



## یک / میخانه.

خوان باید اون جا می بودین. باید او مدن این دون جی تو رو می دیدین. مته یه مرد او مد این دون جی تو. مته یه مرد درست و حسابی. جمعیت نعره می کشید و دون جی تو رو صدا می کرد... کجا بود این دون جی تو؟ کجا بود؟ ... یکی یه دفعه یه در رو باز کرد. یه در باز شد و جمعیت از صدا افتاد. دون جی تو بود که می او مد. سوار یه اسب پاکوتاه که یالش ریخته بود توی چشم هاش. یه لباس نقره ای تنش بود... کجا رو نگاه می کرد این دون جی تو؟ کجا رو؟ ... آروم نشسته بود روی اون اسب و می او مد. جمعیت بی صدا نگاهش می کرد. حالا وسط میدون بود «این دون جی تو». داشت از اسب پیاده می شد. از اسب پیاده شد این دون جی تو. رفت طرف گاو مُرده ای که وسط میدون افتاده بود. اون نشست روی زانو هاش. دون جی تو نشست روی زانو هاش.

درست کنار شاخ‌های اون گاو مُرده... چی کار می‌کرد  
این دون جی تو؟ چی کار می‌کرد؟ ... خم شد. اون خم  
شد، و شاخ‌های اون گاو مُرده رو بوسید. جمعیت یه  
دفعه ترکید. یه دفعه نعره کشید. باید اون جا می‌بودین.  
باید اومدن این دون جی تو رو می‌دیدین. مته یه مرد  
اومد این دون جی تو. مته یه مرد درست و حسابی... من  
همیشه دلم خواسته یه مرد مته دون جی تو باشم.

## دو/ زیر لکة نور.

یرما تا حالا رقصیدن مادیون‌ها رو دیدی، خوان؟ باید رقصیدن‌شون رو با یه اسبِ نَر ببینی. اون‌ها - دوتایی - و امیسن کنار همدیگه. و امیسن و خیره می‌مونن به یه جای دور. اِنقده همون جور می‌مونن که نفس‌کشیدن‌شون با هم یکی می‌شه. اون وقت این مادیونه که سزش رو بلند می‌کنه و می‌ذاره روی یال اسب نر. می‌ذاره و آروم - آروم توی گوش اسب، خُره می‌کشه، همین جور آروم و یه‌نواخت. بعد یهو ساکت می‌شه، ساکتِ ساکت. انگار که اصلاً تا حالا هیچ صدایی از تو گلوش بیرون نیومده. بعد یهو شروع می‌کنه روی پاهاش تکون خوردن. آروم آروم روی پاهاش تکون می‌خوره. یه لرزه‌هایی می‌دوئه روی تنش، مته لرزیدن یه برگ روی شاخه. از دُمش شروع می‌شه تا می‌ره می‌رسه به یالش، همین جور آروم